

بررسی تأثیر زبان و فرهنگ آذربایجان در سبک‌شناسی نظامی گنجوی

اصغر درگاهی پیر الوان، علی دهقان*، رستم امانی آستمال

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

سال هفدهم، شماره نهم، آذر ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۱۰۳، صص ۹۲-۷۳

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7520>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: نظامی گنجه‌ای از شاعران سبک آذربایجانی است که به اقتضای زندگی در گنجه و به تأثیر از محیط، زبان و فرهنگ ترکان منطقه در اشعارش دیده میشود. در این مقاله با هدف بررسی بازتاب زبان و فرهنگ آذربایجان در شعرش، پنج‌گنج وی از منظر واژه‌ها، اصطلاحات و محتوا در سه سطح زبانی، ادبی و فکری بررسی شده است.

روش: شیوه نگارش مقاله توصیفی تحلیلی است و اطلاعات با ابزار فیش با مطالعات کتابخانه‌ای، جمع‌آوری شده است. جامعه آماری پنج گنج نظامی میباشد.

یافته‌ها: نظامی در زبان و اندیشه تحت تأثیر زبان مردم و محیط گنجه قرار گرفته است. واژه‌ها، ترکیبات و اصطلاحات ترکی در پنج‌گنج آمده است که در شعر شاعران سبک خراسانی فراوانی ندارد. واژه ترک و ترکیب ترک‌تازی، واژه‌های ترکی در نام اشخاص، ابزارها، خوردنیها و پوشاک در سطح زبانی آورده است. در سطح ادبی در آرایه تشبیه و استعاره با واژه‌های ترکی تصویرسازی کرده است و علاوه بر آن، آنچه باعث تشخیص شعر او از این منظر شده است. کاربرد ضرب‌المثلهای ترکی ویژگی سبکی اوست که با ترجمه مستقیم و غیر مستقیم آورده است. در سطح فکری، آداب و رسوم، نوع زندگی و اعتقادات، توصیفهای طبیعت گنجه آمده است. این تأثیر در نامگذاری حکایات، استفاده از طبیعت گنجه در وصفها، هویت ترکی دادن به شخصیتها، مضمون‌سازی با عقاید و نوع زندگی ترکان و بازیهای محلی منطقه دیده میشود.

نتیجه‌گیری: در پنج‌گنج نظامی زبان، فرهنگ و اندیشه ترکان که در قرن ششم در گنجه می‌زیسته‌اند، تأثیر گذاشته و جزوی از سبک شعر او شده است. او از واژه‌ها، اصطلاحات، عقاید ترکها در شعرش استفاده کرده است که بدون دانستن این تأثیرپذیری، فهم برخی ابیات او مشکل میشود.

تاریخ دریافت: ۲۰ بهمن ۱۴۰۲
تاریخ داوری: ۲۲ اسفند ۱۴۰۲
تاریخ اصلاح: ۱۱ فروردین ۱۴۰۳
تاریخ پذیرش: ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۳

کلمات کلیدی:

نظامی، پنج‌گنج، سبک، آذربایجان، ترک

* نویسنده مسئول:

a_dehghan@iaut.ac.ir

☎ ۳۱۹۶۶۰۰۰ (۹۸ ۴۱) (+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Investigating the influence of Azerbaijani language and culture on Ganjai military style

A. Dargahi Pir Alvan, A. Dehghan*, R. Amani Astmal

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 09 February 2024

Reviewed: 12 March 2024

Revised: 30 March 2024

Accepted: 11 May 2024

KEYWORDS

military, Panj Ganj, style,
Azerbaijan, Turkish

*Corresponding Author

✉ a_dehghan@iaut.ac.ir

☎ (+98 41) 31966000

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: ground and purpose: Nezami Ganjei is one of the poets of Azerbaijani style, who is seen in his poems due to the necessity of living in Ganja and influenced by the environment, language and culture of the Turks of the region. In this article, with the aim of investigating the reflection of Azerbaijani language and culture in his poetry, his Panj Ganj has been examined from the point of view of words, terms and content on three linguistic, literary and intellectual levels.

METHODOLOGY: The method of writing the article is descriptive and analytical, and the information was collected using the FISH tool with library studies. The statistical population is Panj Ganj Nizami.

FINDINGS: Nizami in language and thought has been influenced by the language of the people and the Ganja environment. Turkish words, compounds and expressions are mentioned in Panj-Ganj, which are not abundant in the poetry of Khorasani style poets. The word Turk and the combination Turktazi bring Turkish words in the names of people, tools, edibles and clothes at the linguistic level. At the literary level, he has illustrated with Turkish words in the array of similes and metaphors, and in addition, what has made his poetry unique from this point of view. The use of Turkish proverbs is a feature of his style, which he brought with direct and indirect translation. Descriptions of nature are included in intellectual level, customs, way of life and beliefs. This influence can be seen in the naming of the stories, the use of the nature of Ganja in the descriptions, the Turkish identity of the characters, the thematization with the beliefs and the way of life of the Turks, and the local games of the region.

CONCLUSION: The language, culture and thought of the Turks who lived in Ganja in the 6th century influenced Panj Ganj Nezami and became part of his poetry style. He has used words, terms, and ideas of Turks in his poetry, and without knowing this influence, it becomes difficult to understand some of his verses.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7520>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 28	 0	 0

مقدمه

سبک آذربایجانی از میانهٔ قرن پنجم تا قرن هفتم در منطقه قفقاز تا اران دیده می‌شود. دلیل نامگذاری این است که این مناطق امروزه با عنوان آذربایجان شناخته می‌شود. در این منطقه گویشهای زبانی متعدد رواج داشت که یکی از آنها لهجه آذری (زبان ترکی) بود. شاعرانی که آن زمان در این منطقه زندگی میکردند خواسته یا ناخواسته از زبان آنها تأثیر گرفته‌اند و واژه‌ها و اصطلاحات ترکی جزو شاخصه سبکی آنها شده است. جمال‌الدین ابومحمد الیاس بن یوسف نظامی معروف به نظامی گنجوی یکی از شاعرانی است که تأثیر محیط در شعرش دیده می‌شود. او در سال ۵۳۷ هجری قمری در شهر «گنجه» به دنیا آمد و در سال ۶۰۸ ه. ق در همان شهر از دنیا رفت، هرچند دربارهٔ سال تولد و وفات او اختلاف نظر است؛ پژوهشگران تاریخهای متعددی را از سال ۵۷۷ تا ۵۴۴ ذکر کرده‌اند (ثروت، ۱۳۹۲: ۳۲) اما اینکه در تمام دوران زندگی‌اش در گنجه ساکن بود، اتفاق نظر است «اقامتگاه دایمی نظامی، شهر گنجه بوده است و در تمام عمر جز یک سفر کوتاه به هیچ‌جا مسافرت نکرده است. این سفر کوتاه بنا به درخواست قزل ارسلان، برادر نصرت‌الدین محمد جهان پهلوان انجام گرفته است» (همان: ۳۵) زندگی‌اش در دوره حکومت اتابکان آذربایجان و موصل و شروانشاهان گذشت و نظامی تا پایان زندگی‌اش مورد احترام دربار بود. زندگی در گنجه بر زبان و اندیشه شاعر تأثیر گذاشته است چنانکه بررسی سبکی شعرش در مقایسه با شاعران سبک خراسانی، نشان میدهد در اشعار خود از واژه‌ها، ترکیبات زبان ترکی و فرهنگ زندگی ترکان استفاده کرده است. در این مقاله با هدف بررسی تأثیر محیط در سبک‌شاعر، در سه سطح زبانی، ادبی و فکری، زبان ترکی و بازتاب فرهنگ ترکان در پنج‌گنج تحلیل شده است.

پیشینه پژوهش

نظامی در ادب فارسی، شاعری برجسته است و پژوهشهای متعددی درباره زبان و محتوای شعرش انجام شده است. در ارتباط با پیوند نظامی با زبان ترکی و اینکه اشعار ترکی دارد در تازه‌ترین تحقیق، پورنامداریان و موسوی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «زبان نظامی گنجوی» - که در مجله زبان و ادب فارسی دانشگاه تبریز چاپ کرده‌اند - با نقد این موضوع که نظامی در بعضی مطالعات جهتدار چند دههٔ اخیر ترک‌زبان معرفی شده است، انتساب اشعار ترکی را به وی رد کرده‌اند و گفته‌اند: «زبان شعری نظامی نیز فارسی دری بوده است و هیچ سند معتبری گویای اینکه بیتی به زبان ترکی سروده باشد در دست نیست» (ص ۱) اما درباره تأثیر زبان ترکی در سبک‌شناسی شاعر سخنی نیامده است. بامدادی (۱۳۸۲) در مقاله «سبک آذربایجانی در شعر فارسی» به تأثیر زبان ترکی و فرهنگ ترکی بر شعر نظامی اشاره کرده است. همچنین محققان و شارحان پنج‌گنج، از جمله انزایی‌نژاد، ثروتیان، زنجانی به این موضوع اشاره کرده‌اند. اما شعر نظامی را از این منظر تحلیل ننموده‌اند. در تحلیل تأثیر زبان ترکی بر شاعران سبک آذربایجانی، اصغری بایقوت (۱۳۹۸) در مقاله «تُرکِ سن سن گوی من (بررسی بازتاب زبان و فرهنگ ترکی در دیوان خاقانی)» در ضمن تحلیل اشعار خاقانی به تأثیر زبان ترکی در شعر نظامی اشاره کرده است. اما چنین مطالعه در قالب یک پژوهش مستقل انجام نشده است هرچند در وبلاگها و صفحات اینترنتی مقالات مروری در بازتاب واژه و امثال ترکی در شعر نظامی موجود است. از نگارندگان نیز مقاله «بازتاب فرهنگ آذربایجان در خمسهٔ نظامی گنجه‌ای» در سال ۱۳۹۵ در یازدهمین همایش انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان ارایه شده است که با تحلیل سبک‌شناسی نوشته نشده است اما در این مقاله زبان و فرهنگ ترکی با رویکرد سبکی در سه سطح، زبان و اندیشه نظامی بررسی شده است.

بحث و بررسی

نظامی: ترک بودن یا ترک زبانی

طبق گفته‌های صاحب‌نظران حوزه تاریخ، ترکان از قرن پنجم به منطقه آذربایجان بسیار آمدند. مسلماً زبان و فرهنگ آنها نیز وارد این منطقه شده است. اما قبل از حضور آنها، زبان بومی مردم در این زمان پهلوی بود که گویش و لهجه آذری داشتند و با فارسی که در سمت خراسان صحبت میشد، تفاوت داشت. گفته شده است «آذربایجان قبل از هجوم ترکان، نه ترک بوده‌اند و نه ترک زبان» (هومان، ۱۳۸۵: ۹۷) و با حضور اقوام ترک، به تدریج زبان آنها بر لهجه آذری تأثیر گذاشت (ذکاء، ۱۳۹۷: ۲۳-۲۶) در معرفی سبک آذربایجانی نیز گفته شده است: «ترک زبان بودن مردم اران و آذربایجان دلیل موجه زبان‌شناسیک ندارد اما در منطقه آذربایجان به سبب وجود چراگاه‌های فراوان، اقوام مهاجر ترک‌زبان فراوان بودند و زبان ترکی در زبان مردم آن نواحی تأثیر داشته است» (عباسپور، ۱۳۸۴: ۶۲) نظامی نیز مسلماً تحت تأثیر زبان و فرهنگ ترک‌های گنجه قرار گرفته است اما این تأثیر از او شاعر ترک‌زبان نساخته است، گرچه به او اشعار ترکی نسبت داده‌اند اما این مسأله از سوی پژوهشگران مورد نقد قرار گرفته است. پورنامداریان و موسوی گفته‌اند: «به جرأت میتوان گفت تاکنون هیچ نمونه‌ای از شعر ترکی از نظامی گنجوی به دست نیامده است. شواهد و قرائن نشان میدهد که در قرن ششم و در روزگار حیات نظامی اساساً در شهر گنجه و حوالی آن زبان ترکی رایج نیست و اگر احیاناً کسانی نیز به این زبان سخن میگفتند در کتابت و سرودن شعر کسی از آن استفاده نمیکرد» (پورنامداریان، موسوی، ۱۴۰۰: ۱۶) در ادامه نیز گفته‌اند: «در آن زمان هیچ قومیت آذربایجانی به معنی امروز وجود نداشت. زبان آنجا را پهلوی میگفتند و یکی از گویشهای آن آذری بود» (همان: ۱۷) شعر نظامی نیز نشان میدهد، زبان رسمی فارسی بود اما آنچنانکه خود نظامی به تصریح گفته مادرش کُرد است. استنباط اینکه به دلیل زبان مادری، کُردی میدانست نشان میدهد که غیر از زبان فارسی، زبان دیگر در منطقه وجود داشته است. زبان ترکی نیز به قطع یقین در شهر استعمال میشد و نظامی با ترک‌ها آشنا بوده و معاشرت داشته است، چه بسا زبان آنها را یاد گرفته اما خودش ترک‌زبان نبوده است. خود او در شرفنامه در بخش تعلیم خضر در گفتن داستان بیان کرده است به نظم دری میگوید:

نظامی که نظم دری کار اوست	دری نظم کردن سزاوار اوست
چنان گوید این نامه نغز را	که روشن کند خواندش مغز را
دل دوستان را بدو نور باد	وزو دیده دشمنان دور باد

(نظامی، ۱۳۸۷: ۷۶۵)

در تحلیل این ابیات گفته‌اند: «از این شعر میتوان دریابیم که نظامی میتوانست به گویش رایج آثار خود را نظم کند اما فارسی را بر گزیده است» (پورنامداریان، موسوی، ۱۴۰۰: ۲۱) بنابراین میتوان این نتیجه را گرفت که نظامی در منطقه‌ای زندگی کرده که علاوه بر فارسی، گویشهای دیگر رایج بودند و خواسته یا ناخواسته تحت تأثیر قرار گرفته و از نظر سبکی این تأثیر در شعرش دیده میشود. بسیاری از واژه‌ها و اصطلاحات ترکی که در شعر نظامی آمده است، در شعر شاعران قبلی به ویژه مقایسه با شاعران سبک خراسانی دیده نمیشود و امروزه این واژه‌ها و اصطلاحات در منطقه آذربایجان رایج هستند. این تأثیرپذیری در سه سطح سبک‌شناسی در موارد زیر آمده است.

سطح زبانی

در سطح زبانی، نام اشخاص، نام مکانها، نام غذاها و نام ابزارهای ترکی بسامد سبکی دارد. وجود این واژه‌ها نشان میدهد از سوی ترک‌زبانان در گفتگوها استفاده میشد و وارد زبان مردم شهر شده بود. بی‌شک نظامی با این واژه‌ها

آشنا بود و با ترکان ارتباط داشت. در مقایسه شعرش با شاعران قبلی، نوآوری نظامی در کاربرد این واژه‌ها می‌باشد. خود واژه «ترک» یک واژه پربسامد در پنج‌گنج نظامی است. این واژه در ادبیات فارسی قبل از نظامی نیز تکرار شده است اما در شعر نظامی در مقایسه با شاعران قبل، فراوانی بیشتری دارد که گویای اهمیت ترکها نزد نظامی و زندگی با آنان است. ترک در معنی زیباروی، ترک در معنی ترکان مثل ترک چینی، ترک ختایی تکرار شده است. در بیت زیر «ترک نازنین» و «ترکاناز» آورده است

گفت آن ترک نازنین‌اندام از پدر ترکاناز دارم نام
(نظامی، ۱۳۸۷: ۶۲۷)

البته در نسخه دستگردی مصرع به صورت «نازنین ترکاناز دارم نام» آمده است (همو، ۱۳۹۰: ۱۶۴) در بیت زیر به ترکان قبیچاق اشاره کرده است. قبیچاق نام دشتی و صحرایی است از ترکستان و طایفه‌ای از ترکان همان نواحی را قبیچاقی گویند (لغتنامه دهخدا: ذیل واژه) در ستایش شیرین، در یادکرد او که جوان از دنیا رفت، او را به همسرش تشبیه کرده و در وصف همسر خود، او را بت قبیچاقی نامیده است.

بحکم آنکه آن کم زندگانی چو گل بر باد شد روز جوانی
سبکرو چون بت قبیچاق من بود گمان افتاد خود کآفاق من بود
(نظامی، ۱۳۸۷: ۳۲۸)

در بیت زیر از «ترک چینی» نام برده است

سیاهان حبش ترکان چینی چو شب با ماه کرده همنشینی
(همان: ۲۸۶)

ترکیبهای «ترک طناز» (همان: ۲۴۸، ۳۴۰)، «ترک سیه چشم» (همان: ۲۵۹)، «ترک عجمی» (همان: ۳۸۶)، «ترک قصب‌پوش» (همان: ۳۴)، «ترک ختایی» (همان: ۳۸)، «ترک سمن» (همان: ۲۹) یا اسامی ترکی مثل «قراخان» (همان: ۱۱۲۳)، «قل‌شه» (همان: ۱۱۴) در منظومه‌ها آمده است. بیت زیر از هفت‌پیکر است که در توصیف ارزشمندی خود که دیگران آن را نمی‌بینند و لاجرم نصیبی از آن نمی‌برند، گفته است:

ترکیم را درین حبش نخرند لاجرم دوغبای خوش نخورند
(همان: ۵۵۷)

در این بیت شاعر در تشبیهی پنهان ارزشمندی خود را به ترک مانند کرده است که در سرزمین حبش (سیاهان) مورد توجه قرار نمی‌گیرد. همچنین کلمه «دوغبا» نیز آشی است که ترکها می‌پختند و امروزه به عنوان آش دوغ آذربایجان معروف است. دستگردی در معنی بیت نوشته است: «دوغبا آش دوغ است و دستپخت ترکان. یعنی جمال و حسن ترکانه مرا در این ملک حبش‌وار سیاه چون نمی‌خرند از آن سبب از دستپخت ترکی و دوغبا محرومند و مغبون» (نظامی، ۱۳۹۰: ۴۶)

در پنج‌گنج، ترک نکوهش نشده است فقط یکبار ابیات زیر از زبان شروانشاه خطاب به نظامی است که از او درخواست میکند لیلی و مجنون را بسراید و به او میگوید ما ترکی‌صفت نیستیم.

ترکی صفت وفای ما نیست ترکانه سخن سزای ما نیست
آن کز نسب بلند زاید او را سخن بلند باید
(نظامی، ۱۳۸۷: ۳۶۵)

درباره این ابیات تفسیر بسیار انجام شده است، مضمون کلی بی‌وفایی ترکها است. دستگردی بی‌وفایی ترکها را به سلطان محمود ارتباط داده و نوشته است: «وفای ما چون ترکان و عهد ما چون سلطان محمود ترک نیست که شکسته شود پس آنگونه سخن که سزای پادشاهان ترکست برای ما ناسزاوار است ما را نسب کیانی بلند است باید سخنی که به نام ما ساخته میشود بلند باشد» (نظامی، ۱۳۷۶، ب: ۲۶) ثروتیان در توصیف این ابیات به نظامی انتقاد کرده است که سخنش را از روی نژادپرستی گفته و سزاوار او نیست، سپس معنایی همانند معنی دستگردی آورده است (نظامی، ۱۳۸۶، ب: ۳۳۸-۳۳۹) پورنامداریان و موسوی گفته‌اند نظر به این موضوع است که شراونشاه گفته است ما مثل ترکان سلجوقی شاه محمدبن ایلدگز نیستیم که صله برای سرودن خسرو و شیرین نداد. میگوید ما پاداش تو را در قبال سرودن لیلی و مجنون خواهیم داد (پورنامداریان، موسوی، ۱۴۰۰: ۸)

گفته شود علاوه بر واژه ترک، واژه «کرد» هم در اشعار نظامی دیده میشود. در لیلی و مجنون، به تصریح مادر خود را «کرد» معرفی کرده است. در بخش «صفت حال خویش و یاد گذشتگان» در اندوه مرگ او گفته است.

گر	مادر	من	رئیس	کرد	مادر	صفتانه	پیش	من	مرد
از	لا به گری	که	را	کنم	یاد	تا	پیش	من	آردش به
									فریاد

(نظامی، ۱۳۸۷: ۳۷۹)

در منظومه خسرو و شیرین، از این واژه برای قافیه استفاده کرده است.

چو	عاجزوار	باید	عاقبت	مرد	چه	افلاطون	یونانی	چه	آن	کرد
										(همان: ۳۳۷)

در تحقیقی که در موضوع زبان مادری در دو منظومه خسرو و شیرین و هفت‌پیکر صورت گرفته، نویسندگان گفته‌اند واژه‌های کردی در شعر نظامی به کار رفته است «واژه‌های مشترک بین کردی فعلی و فارسی قدیم، واژه‌ها و ترکیباتی چون آمد و شد؛ انگبین، بالا؛ قد؛ بانگ؛ آواز بلند، فریاد، بر، ثمر، خلخال، خور، خوش، خیل، خیل خانه، دست برد، دوغبا، دولتمند، راه، دفعه و مرتبه، سپاس، سر به سر، سر خیل، شوربا، شوی، طاق؛ فرد، گرو، نخجیر و نرینه - که در دو اثر یاد شده نظامی به کار رفته‌اند - برخی از این واژگان محسوب میشوند (صالحی، پارسا، ۱۳۹۰: ۳۷)

در مقایسه سبکی، تعداد واژه‌های اصیل ترکی در مقایسه با کردی در شعر او بسامد بیشتری دارد. در همین واژه‌هایی که نویسندگان مقاله ذکر کرده‌اند، مثلاً واژه «دوغبا» که در ادامه توضیح داده میشود نوعی آتش ترکان است. کلمه «خیل» عربی است که البته در فارسی رایج است و در زبانها وارد شده است. اما واژه‌هایی که اصالت ترکی دارند و برخی امروزه نیز رایج است در پنج‌گنج دیده میشود که برای اولین بار در اشعار او آمده یا قبل از او شاعران منطقه مثل خاقانی، مجیرالدین بیلقانی استفاده کرده‌اند.

در بیت زیر واژه «اوزان» را آورده است که اولین بار در دیوان او آمده است. اوزان به عاشق‌های آذربایجان گفته میشد و در کنار واژه‌های قوسان (گوسان) وارساق، یانشاق، باکسی (باخشی)، اوزان نیز آمده است (مهدی‌پور، ۱۳۹۶: ۱۳).

نشسته	به	رامش	ز	هر	کشوری	غریب	اوستادی	و	رامشگری
نواساز	خنیاگران	شگرف	به	قانون	اوزان	درآورده	حرف		

(نظامی، ۱۳۸۷: ۹۵۱)

در برخی موارد اصطلاحهایی در پنج‌گنج اوست که نشان می‌دهد تحت تأثیر فرهنگ ترکان و نوع زندگی آنها آورده است. در بیت زیر اصطلاح «شاخشانه کشیدن» آمده است. در مورد شاخشانه دست‌گردی گفته است: عبارت است از یک شاخ و یک شانه گوسفند که بعضی گدایان بر دست گرفته و بر خانه‌ها به هم می‌زدند و صدای عجیبی از آن برآورد و اگر دیر به آنها چیز بدهند، با کارد خود را مجروح کنند (نظامی، ۱۳۹۰: ۲۴۳) ثروتیان نیز همین معنی را کرده است. امروزه این اصطلاح به کنایه تهدید کردن است. در امثال و حکم دهخدا نیز به همین معنی آمده و بیت زیر از نظامی نمونه آورده است (دهخدا، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۰۰۴) اما گویی بازتابی از فرهنگ ترکها و اهمیت دامداری در میان آنها بوده است:

آتش از حلقشان زبانه‌زنان بیت گویان و شاخشانه‌زنان
(نظامی، ۱۳۸۷: ۶۷۴)

برخی واژه‌ها هم امروزه متروک شدند یا کاربرد خیلی دارند و در شعر نظامی آمده است، مانند واژه «گردک» که تا قبل از نظامی، شاعری آن را استفاده نکرده است. در معنی این واژه در فرهنگ دهخدا و معین آمده است: مصغر گرد به معنی خیمه کوچک. حجله عروس (معین) خرگاه که خیمه بزرگ مدور است و بعضی خیمه کوچک را گویند که مخصوص پادشاه باشد. حجله که بجهت عروس بیارآیند (لغتنامه دهخدا: ذیل واژه) این واژه گویا در منطقه آذربایجان و ترک‌نشین مورد استفاده قرار می‌گرفت چنانکه در ادبیات فارسی فقط در دیوان نظامی و مولوی آمده است که در میان ترکان زندگی کرده‌اند. ثروتیان در مورد این واژه نوشته است: «حجله و اتاق عروسی و زفاف مخصوص (ترکی است)» (نظامی، ۱۳۸۶، ب: ۳۳۱).

در بیت زیر نظامی در وصف معراج پیامبر اکرم (ص) با اضافه تشبیهی «گردک خاص قاب قوسین» به کار برده که قرب الهی به گردک خاص تشبیه کرده است که گویی خیمه‌ای مخصوص به پیامبر گرامی (ص) بوده است.

خرگاه برون زدی زکونین در گردک خاص قاب قوسین
(نظامی، ۱۳۸۷: ۳۵۸)

در برخی نسخ واژه «خیمه» و «خرگه» آمده است که همچنان بازتاب زندگی ترکها می‌باشد. در ابیات زیر هم مفهوم خیمه است.

دو گردک داشتی خسرو مهیا برآمده به گوهر چون ثریا
گرفتیش دست بنشاندش بر آن دست برون آمد در گردک بر او بست
(همان: ۲۸۵)

ز گردک‌های دورادور بسته مه و خورشید چشم از نور بسته
در این گردک نشسته خسرو چین در آن دیگر فتاده شور شیرین
(همان: ۲۸۶)

واژه «تتماج» در آن زمان کاربرد فراوانی داشت و امروزه به صورت خیلی استفاده میشود. در فرهنگ معین ذیل واژه تتماج آمده است: نوعی آش که با آرد گندم می‌پزند (معین) دهخدا به نقل از کاشغری آن را خوراک ترکان معرفی کرده است (لغتنامه دهخدا: ذیل واژه) در ابیات زیر تتماج را در هفت‌پیکر در بخش «ستایش سخن و حکمت و اندرز» در نقد کسانی که شکم‌باره هستند و فقط به جهان مادی می‌اندیشند، آورده است:

خار کز نخل دور شد تاجش به که سازند سیخ تتماجش
 آری آن را که در شکم دهلست برگ تتماج به ز برگ گلست
 (نظامی، ۱۳۸۷: ۵۵۶)

دستگردی در توضیح ابیات نوشته است: «تتماج آشی است که اکنونش آتش رشته یا آتش برگ میگویند» (نظامی، ۱۳۹۰: ۴۴) ثروتیان نیز به نقل از فرهنگ آندراج گفته بعضی آن را ترکی دانند (همو، ۱۳۸۶: ج: ۴۲۷)

برخی واژه‌ها امروزه با تغییر معنی در فارسی استفاده میشوند مانند واژه «چالش» که از اصل ترکی «چالیش» میباشد. در فرهنگها اسم مصدر از ترکی ثبت شده است. در لغتنامه دهخدا آمده است: اسم مصدر از چالشمق ترکی به معنی زد و خورد، جدال. تلاش، کشتی. مصارعت. است (لغتنامه دهخدا) این واژه در پنج‌گنج به ویژه در اسکندرنامه در موضوع جنگ تکرار شده است. قبل از نظامی در شعر خاقانی آمده است و در شعر شعری خراسانی نیست.

بفرمود شه تا دلیران روم نمایند چالش در آن مرز و بوم
 به چالشگری سوی او راند رخس برابر سیه خنده زد چون درخش
 درآمد به ناورد چالش‌کنان به خون مخالف سگالش‌کنان
 (نظامی، ۱۳۸۷: ۸۰۱)

نام برخی ابزارها و اشخاص و اسامی که مورد استفاده قرار میگرفت در شعرش آمده است مانند موارد زیر
 یغلغ: (یغلغ) تیر پیکان دار (لغتنامه دهخدا: ذیل واژه)

هنوزش پر یغلغ در عقاب است هنوزش برگ نیلوفر در آب است
 (همان: ۱۴۱)
 در نظرگاه راست اندازی یغلغش را به موی شد بازی
 (همان: ۵۷۰)

یرق، یرغ: ساز و برگ اسب. ۲ - سلاح. (فرهنگ معین: ذیل واژه) دهخدا در ذیل یرغ نوشته است: «یه معنی یراغ است که اسب سواری کرده شده و آزموده باشد» (لغتنامه دهخدا: ذیل واژه) در ادامه بیت زیر از نظامی را شاهد مثال آورده است.

شتابنده را اسب صحرا خرام یرغ داده به زآن که باشد جمام
 (همان: ۱۰۲۷)

یزک: سردار پیشقراولان و رئیس پاسبانان یتاق: پاس و پاس داشتن و محافظت کردن (لغتنامه دهخدا: ذیل واژه)
 یزکداری از دیده نگذاشتند یتاقی که رسمی است می‌داشتند
 (نظامی، ۱۳۸۷: ۷۹۷)

او خفته چو شاه در عماری وایشان همه در یتاق داری
 چند سالم یتاق داری کرد راستبازی و راست کاری کرد
 (همان: ۵۲۸)

گرگ از جهت یتاق‌داری رفته به یزک به جان‌سپاری
 (همان: ۴۵۷)

برون شد یزکدار دشمن‌شناس یتاقي کمر بست بر جای پاس
(همان: ۷۸۷)

یکدش(اکدش) یکدش . ایکدش . ایکدیج : ۱ - دورگه . ۲ - دو چیز که با هم آمیخته شده باشند. ۳ - محبوب ،
مطلوب. (فرهنگ معین: ذیل واژه)

دل که بر او خطبه سلطانی است اکدش(یکدش) جسمانی و روحانی است
(همان: ۲۶)

نگاری اکدشست این نقش دمساز پدر هندو و مادر ترک طناز
(همان: ۳۴۰)

نظامی اکدشی(یکدش) خلوت‌نشین است که نیمی سرکه نیمی انگبین است
(همان: ۱۱۲)

گزلیک(گزلیک) : چاقوی کوچک دسته دار(فرهنگ معین: ذیل واژه)

زین همه الماس که بگداختم گزلیکی از بهر ملک ساختم
(نظامی، ۱۳۸۷: ۹۵)

گزیر : پاکار، پیشکار. ۲ - داروغه ، عسس(فرهنگ معین: ذیل واژه)

پای در کُنده، دست در زنجیر این چنین کس گزیر بود نه وزیر
(نظامی، ۱۳۸۷: ۷۲۲)

در نسخه دستگردی و چاپ مسکو کلمه «وَزَر» آمده است دستگردی در توضیح بیت نوشته است: «وزر به فتحین معقل و جایی که شتران را عقال کنند و زانوبند بزنند یعنی چنین کسی جایگاه بند و عقال رعیت است نه وزیر و سزایش کنده و زنجیر است ممکن است وزر مخفف وازر باشد یعنی گناهکار»(نظامی، ۱۳۹۰: ۳۳۲) فقط ثروتیان واژه «گزیر» را آورده و معنی پاکار و عسس را نوشته است اما در ادامه بیان کرده امروزه «گز» به کسر گاف و زاء در زبان مردم میاندوآب آذربایجان رایج است، نام گونه‌ای بازی دسته‌جمعی است(نظامی، ۱۳۸۶: ج. ۵۹۷) معنی بازی در این بیت هیچ ارتباطی ندارد. اما گزیر هم‌اکنون نیز اسم فاعل ترکی از مصدر گزِمک (gazmak) به معنی کسی است که راه می‌رود و مجازاً پاسبان و پاکار و عسس می‌تواند باشد که راه می‌رود و مراقب امور است گرچه امروزه این کلمه به این معنا رایج نیست. گویا در زمانه نظامی رایج بوده است.

وشاق: غلام بچه، طفل و کودک(لغتنامه دهخدا: ذیل واژه). در شعر نظامی و شاعران دیگر در معنی غلام نوجوان استفاده شده است اما امروزه در معنی کودک استفاده می‌شود.

نمانده در حریم پادشایی وشاقی جزر غلامان سرایی
(نظامی، ۱۳۸۷: ۲۸۶)

وان وشاقان به پاسداری شاه بر در غار کرده منزلگاه
(همان: ۷۳۲)

جنیبت‌کش وشاقان سرایی روانه صدصد از هر سو جدایی
(همان: ۲۵۴)

جوق: ۱ - گروه . ۲ - (ص .) بسیار کثیر.(فرهنگ معین: ذیل واژه) امروزه به صورت واژه «چُوخ»(OX) استفاده می‌شود.

پیرامنش از وحوش جوقی حلقه شده بر مثال طوقی
(نظامی، ۱۳۸۷: ۴۹۰)
آید همه روز سرگشاده جوقی چو سگ از پی اوفتاده
(همان: ۴۰۰)

چاوش: پیشرو لشکر و قافله. ۲ - کسی که پیشاپیش قافله یا کاروان زایران حرکت کند و آواز خواند. ۳ - حاجب
(فرهنگ معین: ذیل واژه).

نفیر چاوشان از دور شو دور ز گیتی چشم بد را کرده مهجور
(نظامی، ۱۳۸۷: ۲۵۴)

ایلاق: در ترکی جای سرد را گویند که سلاطین بوقت گرمی آنجا روند با حشم خود و بعربی مصیف خوانند.
(آنندراج). اقامتگاه تابستانی، ییلاق (لغتنامه دهخدا: ذیل واژه)

برون رفت از ایلاقیان سرکشی سواری شتابنده چون آتشی
(نظامی، ۱۳۸۷: ۹۶۹)

سطح ادبی

در سطح ادبی نظامی، در توصیف شخصیتها، حوادث داستانی، وصف طبیعت از واژه‌ها، اصطلاحات و ترکیبهای ترکی در صورخیال استفاده کرده است. این تأثیرپذیری در یک بخش در آرایه‌های تشبیه و استعاره دیده میشود اما در بخشی دیگر، ضرب‌المثل‌های ترکی را با ترجمه فارسی به کار برده است.

تشبیه و استعاره: در تشبیهات از واژه ترک بسیار استفاده کرده است. اغلب شخصیت‌های زن در زیبارویی به ترک مانند شده‌اند. قبل از نظامی، زیبارویی ترک‌ها در شعر وارد شده بود و ترک «به مجاز زیباروی، معشوق و غلام» (میرزانی، ۱۳۷۸: ۲۴۳) نامیده میشد. در فرهنگ فارسی ذیل واژه آمده است «در ادبیات کنایه از خو برو و زیبا و معشوق است» (شریفی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۴۱۱) در کل «در متون فارسی عموماً؛ بویژه در شعر، زیبایی ترکان؛ یعنی ترکان آسیای میانه، نوعی زیبایی آرمانی محسوب شده است» (آقابابائی خوزانی، ۱۳۸۹: ۲۳) اما تأثیرپذیری نظامی در کاربرد این واژه علاوه بر نگاه عمومی موجود در ادبیات، تأثیر محیط زندگی اوست که ترکان در آنجا زیاد بودند زیرا علاوه بر اینکه معشوق را ترک خطاب میکند، در توصیف موضوعهای دیگر نیز از این واژه استفاده کرده است. در مخزن الاسرار در توصیف طبیعت، اضافه تشبیهی «ترک سمن» را به کار برده است.

گه به سلام چمن آمد بهار گه به سپاس آمده گل پیش خار
تُرک سمن خیمه به صحرا زده ماهچه خیمه به ثریا زده
(نظامی، ۱۳۸۷: ۲۹)

در بیت زیر از هفت‌پیکر در وصف آتش با تشبیه پنهان آن را در روشنی به ترک رومی‌نژاد مانند کرده است
ترکی از اصل رومیان نسبش قره‌العین هندوان لقبش
(همان: ۶۱۲)

در بیت زیر لیلی را در زیبایی به ترک عجمی مانند کرده است

ماه عربی به رخ نمودن ترک عجمی به دل ربودن
(همان: ۳۸۶)

در همین منظومه، در وصف عشق دو شخص به نام «زید و زینب» زیبایی معشوق زید را به سبب شکی مانند کرده است. «شکی» که گویا زیبارویان آن معروف بودند.

ساده زنجی چو سبب شکی سوزانتر از آنکه ریگ مکی
(همان: ۴۹۵)

در ابیات زیر در پایان منظومه خسرو و شیرین، بعد از مرگ شیرین، از ناکامی و جوانمرگی او میگوید. مرگ شیرین، تداعی مرگ همسرش برای او میشود. در توصیف همسرش که زود از دنیا رفت، از کوچ کردن و غارتگری ترکان تصویر ساخته است. او را به ترکان مانند کرده که ناگزیر کوچ کرد. رفتن او را از پیش شاعر که چگونه زندگی‌اش بهم ریخت به ترکی مانند که رخت او (زندگی‌اش) را به تاراج برد. در بیت دوم نیز ترک استعاره از معشوق است و ترک‌زاده، فرزند شاعر است.

چو ترکان گشته سوی کوچ محتاج به ترکی داده رختم را به تاراج
اگر شد ترکم از خرگه نهانی خدایا، ترکزادم را تو دانی
(همان: ۳۲۸)

در همین منظومه در نقد افرادی که دزد بیان او هستند، در توصیف احترام گذاشتن به آنها، به سوارکاری ترکان و اسب‌دک داشتن آنها اشاره کرده است. میگوید: تحمل و صبوری مرا ببین که همانند ترکان در برابر دزدان سخنم (هندو: بنده، غلام) جنیبت کش آنها میشوم (احترام به آنها میگذارم)

تحمل بین که بینم هندوی خویش چو ترکانش جنیبت میکشم پیش
(همان: ۳۳۹)

کنایه و ضرب‌المثل: این بخش شاخصه سبکی نظامی است که در شعرش نوآوری دارد. او توانسته از اصطلاحات و امثال ترکی که گویا در آن زمان در شهر گنجه رایج شده بود در زیباسازی شعرش استفاده کند. اصطلاح «ترکتازی» در مفهوم کنایی تاراج و غارتگری در شعرش تکرار شده است. «ترکان به جنگجویی و فتنه‌انگیزی و غارتگری شهرت داشتند و ظاهراً اصطلاح ترکتازی از اینجاست» (شریفی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۴۱۱). دهخدا نیز در امثال و حکم اعلام کرده است. این نکوهش درباره ترک‌نژادان است که به ایران آمدند و منظور همشهریان زردشت و فرزندان قطران و حسین خلف و نه قسمت عمده قفقار و بخش بزرگ از ترکستان امروزی که زبان ترکی را آموخته‌اند و به شهادت دقیق‌ترین تجسم‌های تاریخی و به گواهی دانش نژادشناسی، خالص‌ترین ایرانیان بلکه خود اصل و ریشه تمام نژاد آریایی میباشند (دهخدا، ۱۳۶۳، ج ۱: ۸۳)

این اصطلاح در شعر شعرای سبک آذربایجانی بسامد سبکی دارد و در سبک خراسانی نیست.

در بیت زیر در وصف لیلی گفته است
میکرد بوقت غمزه‌سازی بر تازی و ترک ترکتازی
(نظامی، ۱۳۸۷: ۴۰۸)

در بیت زیر از هفت‌پیکر در وصف عشق مردی به زنی، دل ربودن معشوق و عاشق شدن مرد را اینگونه وصف کرده است.

بر رهش عشق ترکتازی کرد فتنه با عقل دست یازی کرد
(همان: ۶۴۷)

در بیت زیر کنایه ترکی کردن را آورده است؛ خطاب به ساقی میگوید ترکی نکند. «ترکی کردن» به معنی بیرحمی، قساوت و بی‌ادبی است (دهخدا، ۱۳۶۳، ج ۱: ۸۲)

مکن ترکی ای ترک چینی نگار
بیا ساعتی چین در ابرو میار
(نظامی، ۱۳۸۷: ۹۵۰)

در بیت زیر واژه ترک تکرار شده است و «ترکی کردن» کنایه است. ترک در مصرع دوم نیز معنی غلام میدهد که تداعی وجود غلامان ترک در گنجه است.

مکن ترکی ای میل من سوی تو
که ترک توأم بلکه هندوی تو
(همان: ۹۹۹)

علاوه بر تصویرسازی از واژه ترک، آنچه ویژگی سبکی نظامی میباشد، کاربرد امثال و کنایاتی است که در زبان ترکی رایج است. برخی امثال ترکی در همان زمان نظامی نیز معادل فارسی داشتند اما نظامی ضرب‌المثلهایی به کار برده است که در فارسی آن دوران رایج نبود و مشخص است که به تأثیر از زبان ترکی استفاده کرده است مانند موارد زیر

باش یاغلاماق [baş yağlamaq]: کنایه از فریب دادن است، سرکشی را چرب کردن، کنایه از چرب زبانی کردن با کسی و با سخنان فریبنده او را فریب دادن. «الون یاغلی د چک اوز باشووا: اگر دستت روغنی است بکش به سر خودت» (نوبین، ۱۳۸۷: ۲۱۰) معادل فارسی برای این مثل «چرب‌زبانی» است. این مثل فقط در شعر نظامی دیده میشود. از شارحان دستگردی به کنایه سرکشی را چرب کردن اشاره ندارد اما ثروتیان بیان کرده است «با سخنان فریبنده او را امیدوار کردن، چرب زبانی کردن» (نظامی، ۱۳۷۶، الف: ۷۶۳)

چو گردون بادلم تا کی کنی حرب
به بُستوی تهی میکن سرم چرب
(همان: ۲۷۵)

آت اوستو گۆرمک [atüstü görmək]: از روی اسب دیدن کسی را. کنایه از سرپایی و عجله‌ای دیدن کسی را و یا انجام دادن کاری را. امروزه نیز در زبان مردم آذربایجان زیاد به کار میرود.

وگر خواهی که اینجا کم نشینم
رها کن کز سر اسبت ببینم
(همان: ۲۵۷)

دیش آغارتماق [diş ağartmaq]: دندان سپیدکردن به منظور تمسخر، خندیدن و بالکنایه فسوس و مسخره کردن است. این کنایه هنوز هم رواج دارد. در فارسی مثل «دندان سپید کردن» در آن زمان رایج نبوده است اما نظامی در بیت زیر در آغاز داستان اسکندرنامه آورده است و بعد از او شاعران دیگر نیز استفاده کرده‌اند.

که خوبان به خاکستر عود و بید
کنند از سر خنده دندان سپید
(همان: ۱۰۳۷)

دستگردی در توضیح بیت نوشته است خاکستر و عود برای سپید کردن دندان به کار میرود. دندان سپید کردن کنایه از خندیدن است (نظامی، ۱۳۸۹: ۳۴) اما دهخدا ذیل این مثل نوشته است: «خشمگین شدن، برآشتن» (دهخدا، ۱۳۶۳، ج ۲: ۸۲۶)

ایت بیه‌سین تانیمیر [it yiyəsin tanımır]: سگ صاحبش را نمیشناسد. این اصطلاح زمانی به کار میرود که در جایی ازدحام و شلوغی و هرج و مرج به گونه‌ای باشد که رابطه دوستی و محبت قطع شده و حفظ حرمت و

خویشاوندی و آشنایی رخت بر بسته باشد دهخدا نیز ذیل آن نوشته است: «از دحام مردمان در آنجا بسیار است» (دهخدا، ۱۳۶۳، ج ۱: ۹۸۵).

زخلق آن چنان برد پیوند را که سگ وا نیابد خداوند را
(همان: ۸۵۴)

پیشبیک بالاسین ایسته‌دیگیندن یئیر: [pişik balasın istədiyindən yeyər] گربه که بچه اش را میخورد از زور محبت است (مجته‌دی، ۱۳۸۱: ۱۱۱)

دوست بود مرهم راحت‌رسان گرنه رها کن سخن ناکسان
گربه بود کز سر هم‌پوستی بچه خود را خورد از دوستی
(نظامی، ۱۳۸۷: ۸۶)

سویون چوخی کورپینی ییخار: آب تند پل را خراب میکند (صلاحی، ۱۳۹۵: ۵۰۲)
نباید تیز دولت بود چون گل که آب تیز رو زود افگند پل
(نظامی، ۱۳۸۷: ۱۹۴)

سو باش یوخاری گندمز: آب سربالا نمی‌رود (صلاحی، ۱۳۹۵: ۴۹۵)
کنون وقت شکیبایی ست مشتتاب که بر بالا به دشواری رود آب
(نظامی، ۱۳۸۷: ۱۹۴)

سؤیود آغاجیندا بار اولماز: [Söyüd ağacından bar olmaz]: درخت بید به بار نمینشیند» (شعبانی، ۱۳۹۳: ۳۵۱)

تو زین بازیچه‌ها بسیار دانی وز این نیرنگها بسیار خوانی
خلاف آن شد که با من درنگبرد گل آرد بید لیکن برنگبرد
(نظامی، ۱۳۸۷: ۲۷۳)

گؤزل آقا چؤخ گؤزلی دی، ووردو چیچک ده چیخارتدی [gözəl ağa çox gözəl idivurdu çiçəi də çıxartdı]: درمورد زشت‌رویی گویند که با بیماری یا چیز دیگری زشت‌تر شده است. (شعبانی، ۱۳۹۳: ۴۴۱)
نافتاده شکسته بودم بال چون فتادم، چگونه باشد حال!
احمدک را که رخ نمونه بود آبله بر دمد چگونه بود؟!
(نظامی، ۱۳۸۷: ۵۶۱)

در مواردی نیز مفهوم ضرب‌المثل آمده است مانند «بیر تیکه چۆره‌ک داش‌دان چیخیر: bir tikə çorək daşdan çixir] یک لقمه نان از سنگ بیرون می‌آید. منظور اینکه روزی انسان و اسباب رفاهش به سختی و با رنج فراوان حاصل میشود» (شعبانی، ۱۳۹۳: ۲۶۳) چۆرگ داش‌دان چیخیر: نان از سنگ درمی‌آید؛ معیشت خیلی سخت شده است. (نوبین، ۱۳۸۷: ۲۱۷). معادل فارسی آن در امثال و حکم دهخدا نیز نیامده است. نظامی دقیقاً این مثل را به کار نبرده اما سختی اینکه از زیر سنگ و آهن بیرون می‌آید. در شعرش دیده میشود.
در ابیات زیر در وصف سخنوری بکر خود گفته است:

ضمیرم نه زن، بلکه آتش‌زن است که مریم‌صفت بکر آبتن است
تقاضای آن شوی چون آیدش که از سنگ و آهن برون آیدش

بدین دل‌فریبی سخن‌های بکر به سختی توان زادن از راه فکر
(نظامی، ۱۳۸۷: ۷۶۱)

ثروتیان و دستگردی معنای ظاهری کرده است و کنایه به سختی به دست آمدن را آورده‌اند.

سطح فکری

نظامی پنج‌گنج را در موضوعهای مشخص غنایی، حکمی و اخلاقی سروده است اما تأثیر محیط، فرهنگ و زبان گنجه در محتواسازی اشعارش دیده میشود «شعر نظامی رنگ زمان خود را دارد، آیینۀ روزگاران خویش است، آنجا که از شادمانیهای اندک مردم میگوید، نبض شعر شاد و تند میزند و آنجا که از غمهای بسیار مردم میسراید، نبض شعر غمگنانه میزند. واقعیتها در شعر نظامی هم‌آوایی تاریخ و تخیل است» (انزایی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۲) طبیعت منطقه آذربایجان، حکومت ترکان، اوصاف و ویژگیهای زندگی‌شان، اعتقادات، آداب و رسوم آنها در محتوای شعرش آمده است در کلیت «خمسه نظامی جنگی از آیینها و رسوم عامیانه عصر و جغرافیای شاعر است» (اکرمی، عباس‌زاده نیاری، ۱۴۰۱: ۱۱۹) حکایت‌های «پیرزن و سنجر» و «صیاد و سگ و روباه» در مخزن‌الاسرار، توصیف هفت گنبد در هفت‌پیکر، حضور اسکندر در آذربایجان در اسکندرنامه شاید تأثیری از زندگی با ترکها و طبیعت گنجه است. در محتوای منظومه لیلی و مجنون با توجه به هویت تاریخی منظومه که متعلق به جامعه عرب‌زبان است. در توصیفها، واژه ترک را وارد کرده و از طبیعت گنجه برای توصیف حالات لیلی و مجنون استفاده کرده است. در ابیات زیر در توصیف دخترانی که همراه لیلی به گشت و گذار آمده بودند، آنها را «ترک‌نشین» و «ترک تازی‌اند» معرفی کرده است. اصطلاحی که فقط در شعر نظامی است.

از	نوش‌لبان	آن	قبیله	گردش	چو	گهر	یکی	طوبله
ترکان	عرب‌نشینان	نام	خوش	باشد	تُرک	تازی‌اند		

(همان: ۴۱۱)

در خسرو و شیرین که هویت تاریخی آن مشخص است و شیرین شاهزاده ارمن است، در توصیفش، او را به زیباروی خلیج که شهری ترک‌نشین بوده، نسبت داده است

به خدمت	شمسه	خوبان	خَلْج	زمین	را	بوسه	داد	و	داد	پاسخ
که	دایم	شهریارا	کامران	باش	صاحب	دولتی	صاحبقران	باش		

(همان: ۲۷۲)

در رفتن مجنون از عشق لیلی به بیابان در توصیف رفتنش صفت ترکانه را آورده است که از زندگی ترکان و کوچ کردن آنها برگرفته است. این نوع زندگی هنوز هم در آذربایجان در قشلاق و ییلاق رفتن دیده میشود.

ترکانه	ز	خانه	رخت	بربست	در	کوچکه	رحیل	بنشست
--------	---	------	-----	-------	----	-------	------	-------

(همان: ۳۹۵)

صحنه‌های داستان لیلی و مجنون در عربستان واقع شده است اما رنگ‌آمیزی نظامی از داستان، ایرانی و آذربایجانی میباشد. ثروتیان در این باره گفته است: «با همه خشکی ریگ و سختی کوه در کوچگاه‌ها و ریگزارهای عربستان، نظامی در دو جای این منظومه، خواننده داستان را با مناظره طبیعت روبرو می‌کند، یک بار لیلی را در فصل بهار به نخلستان میبرد و وصفی از گل و سبزه را روی کاغذ می‌نگارد و یک بار نیز در پاییز حیات لیلی، آنجا که به بستر بیماری مرگ می‌افتد از فصل پاییز صحنه‌ای غمبار و لیکن دیدنی میسازد. واقعیت این است که هر دو وصف خیالی از طبیعت آذربایجان سرچشمه می‌گیرد. در فصل بهار لیلی را به نخلستان میبرد تا در زیر سروی نشسته و

غزل‌سرایی کند» (ثروتیان، ۱۳۸۷: ۵۴) وصف طبیعت قبل از نظامی در شعر فارسی رایج بود و میتوان گفت نظامی به تأثیر توصیف‌های رایج ادبیات فارسی، این وصف‌ها را در لیلی و مجنون آورده است اما زمانی که از مناظر طبیعت حرف میزنند، تأثیر محل زندگی‌اش دیده میشود. در وصف خزان لیلی، در صحنه آرای پایی از گیاهان محل زندگی خویش بهره می‌گیرد و نام آنها را به فارسی برمیگرداند. مثلاً واژه «روباه رزه» که نام نوعی انگور گنجه است آن سبزه چرخ لاجوردی خیری شود از غبار زردی روباه رزه فتاده در راه آلوده به خون چو موی روباه (نظامی، ۱۳۸۷: ۵۱۴)

روباه رزه، نوعی انگور در آذربایجان میباشد. ثروتیان گفته است: «در آذری، قوش اوزومی است. انگور با میوه‌های ریز مثل دانه انگور به رنگ گوجه‌فرنگی مانند موی سرخ روباه به رنگ خون است» (نظامی، ۱۳۸۶: الف: ۵۰۸) در کل واژه «انگور» و «رز» در شعر نظامی بسامد دارد. شاعران قبلی واژه تاک، انگور و رز را با شراب ارتباط داده‌اند اما نظامی واژه انگور را در محتوای مختلف با تصویرسازی به کار برده است که مسلماً به دلیل مشاهده انگورهای فراوانی است که در منطقه وجود داشت.

آگاهی از این شاخصه سبکی که نظامی از زندگی ترک‌ها در شعرش آورده است، معنی ابیات را روشن میکند برای نمونه در بیت زیر اصطلاح «خرس‌بازی» را آورده است «ظاهراً نوعی معرکه گیری بوده است» (اکرمی، عباس‌زاده نیاری، ۱۴۰۱: ۱۱۹) یا نوعی بازی در منطقه آذربایجان بود که دانستن آن به فهم شعر کمک میکند. نظامی در مدح «علاءالدین کرب ارسلان» در وصف قدرت و جنگاوری او گفته است:

بازی خرس برده از شمشیر خرس بازی درآورده به شیر (همان: ۵۴۸)

ثروتیان که اهل تبریز است و با تأثیر پذیرفتن نظامی از محیط‌شناسی، به بازی خرس در این منطقه اشاره میکند و معنی بیت با اشاره به این بازی طبق شرح وی درست به نظر می‌آید در توضیح بیت نوشته است: «بازی خرس تا این اواخر به صورت یک نمایش و تفریح محلی در روستاها و اطراف آذربایجان معمول بوده که با گرفتار ساختن و تربیت خاص، او را به رقص و میداشتن در حالیکه حلقه‌ای آهنی در سوراخ بینی او کرده و زنجیری بر آن حلقه میبستند و یک سر زنجیر در دست خرسبان بود و خرس به آهنگ طبل و دهل میرقصید. «خرس بازی» در مصراع دوم ظاهراً به همان رسم اشاره دارد و شاعر می‌گوید: خرس‌ها را از شدت قهر او بازی خرس از یاد رفته و شیران را به خرس بازی واداشته چنانکه شیر دو دست بالا برده میرقصد» (نظامی، ۱۳۸۶، ج: ۴۱۲) اما دستگرددی که از «خرس بازی» اطلاع ندارد، بیت را اینگونه معنی کرده است: «یعنی با شمشیر خرس را از پای درآورده و بازی او را نابود کرده و شیر را با شمشیر از بیچارگی و ذلت به رقص خرس بازداشته» (نظامی، ۱۳۹۰: ۲۴)

در بیت زیر «مرغ‌زبانی» تأثیر نظامی از فرهنگ ترکی است که بدون توجه به آن معنی جمله درست نمی‌آید دام نه‌ای دانه فشانی مکن با چو منی مرغ زبانی مکن (نظامی، ۱۳۸۷: ۴۶)

اصطلاح «مرغ‌زبانی» ترجمه مفهوم از مثل «منه قوش دیلی اوخوما» ترکی میباشد. دستگرددی آن را معنی بیهوده گفتن آورده است «بیهوده گفتن است چون گفتار مرغ معنی ندارد» (نظامی، ۱۳۷۶: الف: ۸۷) در بیت زیر اصطلاح «ناف افتادن» را آورده است که ترجمه لفظی از «گوبک دوشمه» نوعی درمان محلی برای جانداختن ناف و دل‌درد میباشد و هنوز نیز در برخی مناطق آذربایجان ادامه دارد. ناف افتادن عبارت از کشیده

شدن و از جا در رفتن عضلات ناف است که به سبب برداشتن بار سنگین یا زور زدن زیاد ایجاد میشود. در مخزن الاسرار در توصیف خداوند گفته است اگر جهان از پشت کرم تو زاده نمیشد حتماً از تحمل بار امانت نافش میافتاد.

تا کَرمت راه جهان برگرفت پشت زمین بار گران برگرفت
گرنه ز پشت کرمش زاده بود ناف زمین از شکم افتاده بود
(نظامی، ۱۳۸۷: ۵)

دستگردی اصطلاح ناف می‌انداخت را فرسودگی و نابود شدن شرح داده است (نظامی، ۱۳۷۶، الف: ۸) اما ثروتیان واژه افتادن در بیت زیر ترجمه از «دوشمه» ترکی است که امروزه نیز رایج است

چو آن درگاه را درخور نیفتیم به زور آن به که از در درنیفتیم
(نظامی، ۱۳۸۷: ۲۰۷)

دستگردی نوشته است «بهتر آن است که خود را به زور از در به درون نیفگنم» (نظامی، ۱۳۷۶، ب: ۲۰۰) ثروتیان نیز آن را به زور به خانه کسی داخل شدن معنی کرده است اما در مورد معنای واژه در زبان ترکی گفته است: «افتادن در معنی به خانه کسی افتادن و قصد و نیت دزدی یا کار بد دیگری داشتن، اکنون نیز در زبان مردم آذربایجان رایج است» (ثروتیان، ۱۳۸۶، الف: ۶۶۵)

نتیجه‌گیری

نظامی گنجوی از شاعران سبک آذربایجانی است که تمام عمر خود را در گنجه سپری کرده است، به اقتضای محیط زندگی و معاشرت با ترکها، واژه‌های ترکی را در سطح زبانی، ادبی و محتوایی استفاده کرده است. اشعار پنج‌گنج به فارسی است و شعر ترکی نسروده است اما بسامد واژه ترک و بازتاب فرهنگ ترکان در پنج‌گنج بسیار دیده میشود و نتایج تحقیق نشان میدهد در زمینه تأثیرپذیری از زبان و فرهنگ ترکان، نظامی شاعر شاخص در سبک آذربایجانی است. تکرار واژه ترک و نامهای ترکی، نام شهرها، ابزارها، خوراک و پوشاک ترکی، ترکیبسازی با واژه ترک در سطح زبانی او دیده میشود چنانکه چند درصد از واژه‌های کاربردی شاعر ترکی هستند که برخی امروزه نیز رواج دارند. در سطح ادبی با واژه «ترک» و ترکیبات آن «ترکتازی» و «ترکی کردن» تصویرسازی کرده است که اغلب این کلمه را به صورت تشبیه، استعاره و کنایه در توصیف زیبارویی و غارتگری آورده است. علاوه بر این، استفاده از ضرب‌المثلهای ترکی شاخصه سبکی شاعر میباشد. در بیان اندیشه‌های خود در موضوعات مختلف امثال ترکی را با ترجمه مستقیم به فارسی آورده است. اغلب این امثال امروزه رایج است. خلاقیت نظامی چنان است که از این امثال، ضرب‌المثل فارسی ساخته است. در سطح فکری، از نوع زندگی و فرهنگی که میان ترکها رایج بوده در محتوا استفاده کرده است. از طبیعت گنجه در وصف طبیعت دیده میشود، در توصیف شخصیتها اصطلاح ترک را تکرار کرده است و به آنها هویت و صفت ترکی داده است. در مضامین مختلف، از عقاید و بازیهای ترکها مضمون ساخته است. تأثیرپذیری نظامی از زبان و فرهنگ ترکی در پنج‌گنج چنان است که بدون فهم این تأثیرپذیری خوانش اشعار او دشوار میگردد و برخی ابیات نامفهوم میماند.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رسالهٔ دکترتاری رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی مصوّب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز استخراج

شده است. آقای دکتر علی دهقان راهنمایی این رساله را بر عهده داشته‌اند و طراح اصلی این مطالعه و نویسنده مسئول بوده‌اند. آقای دکتر امانی آستمال بعنوان مشاور و آقای اصغر درگاهی پیر الوان دانشجوی دوره دکتری پژوهشگران این رساله در گردآوری و تنظیم متن نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر می‌باشد.

تشکر و قدردانی

از گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز سپاسگزاریم.

عدم تعارض منافع

نویسنده این مقاله گواهی مینماید که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی نویسنده است و او نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارد. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول (دکتر فوزیه پارسا) است و او مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده می‌گیرد.

REFERENCES

- Aghababai Khozani, Zahra. (2010). The beautiful climates of Persian poetry, Textology of Persian Literature, Volume 3: pp. 21-34.
- Akrami, Mirjalil, Abbaszadeh Niyari, Yaser (2022) Investigation of ambiguous factors in military poetry, Scientific Monthly of Persian Poetry and Prose Stylology (Bahar Adeb), vol. 4 (series: 74): pp.101-122
- Anzabi-nejad, Reza (2013), Farda Sahar Sahari, Tabriz: Aydin.
- Pournamdarian, Taghi, Mousavi, Mustafa. (2021). Ganjavi military language, Persian language and literature (former publication of Faculty of Literature, Tabriz University, vol. 74 (244 series): pp.1-31.
- Servat, Mansour (2012) The treasure of wisdom in military works, Tehran: Ilmi.
- Sarvatian, Behrouz (2007), The Secret of Love in Arifana Nizami's Masnavi, Tehran: Ebtakar Danesh Publications.
- Dehkhoda, Ali Akbar (1984) Proverbs and Sentences, 4 volumes, Tehran: Amir Kabir.
- Dehkhoda, Ali Akbar (1994) Dehkhoda dictionary, Tehran: University of Tehran.
- Zaka, Yahya (2017) Essays on the language of Azerbaijani people, with an introduction by Mohammad Amin Riahi. Tehran: Dr. Mahmoud Afshar Publications.
- Sharifi, Mohammad (2008) Persian Literature Culture, edited by Mohammad Reza Jafari, Tehran: New Publishing House, Moin

- Shabani Andabili, Aqeleh (2013), Turkish Proverbs and Sentences, Ardabil: Negin Sablan.
- Salehi, Jila, Parsa, Seyyed Ahmed (2013) "Investigation of the linguistic manifestations of mother culture in Khosrow and Shirin and Haft Pykar Nizami Ganjavi" Kavashnameh magazine, year 12, no. 22: 31-59.
- Salahi, Ahmad (2015) Dictionary of Turkish Proverbs and Idioms, Tabriz: Azarturk
- Abbaspour, Homan (2005) Azerbaijani style in Persian poetry, Insurance and Development Quarterly, Volume 3: pp. 60-63.
- Mojtahedi, Ali Asghar (2002), Dilinde Meshllar's Turkish (Proverbs and Rule of Azerbaijan), 3rd edition, Tabriz: Fakhr Azar.
- Moin, Mohammad (2018) Farhang Moin, Tehran: Amirkabir.
- Mehdipour, changiz (2016) Qofuz School, translated by Javad Karimnejad, Tabriz: Aydin
- Mirzania, Mansour (1998) Dictionary of Irony, Tehran: Amirkabir.
- Nezami Ganjawi, Nizamuddin Elias (2007, A) Khosrow and Shirin, corrected by Behrouz Sarvatian, Tehran: Amir Kabir.
- Nezami Ganjawi, Nizamuddin Elias (2007, B) Lily and Majnoon, edited by Behrouz Sarvatian, Tehran: Amir Kabir.
- Nezami Ganjawi, Nizamuddin Elias (2007, c) Haftpiker, corrected by Behrouz Sarvatian, Tehran: Amir Kabir.
- Nezami Ganjai, Nizamuddin Elias (2010) Iqbalnameh, with corrections and margins by Hassan Vahid Dastgardi, with the effort of Saeed Hamidian, Tehran: Qathr
- Nezami Ganjawi, Nizamuddin Elias (2011) Hept-Pikar, with corrections and margins by Hassan Vahid Dastgardi, with the effort of Saeed Hamidian, Tehran: Drop
- Nezami-Ganja-ei, Nizam-uddin Elias (1997, B) Khosrow and Shirin, with corrections and margins by Hassan Vahid Dastgardi, with the effort of Saeed Hamidian, Tehran: Drop
- Nezami-Ganja-ei, Nezam-uddin Elias (1997, A) Makhzan-ul-Asrar with corrections and margins by Hassan Vahid Dastgardi, with the effort of Saeed Hamidian, Tehran: Qathr
- Nezami Ganjawi, Nizamuddin Elias (2008) Khumse Nezami, based on the Moscow edition, Tehran: Hermes.
- Novin, Hossein (2008), effects of Turkish proverbs and sayings, Ardabil: Simai Kausar
- Homan, Kikavos (2006) Iran not Azerbaijan, Turkish language not Turkish. Tehran: Iman Rad.

فهرست منابع فارسی

آقابابائی خوزانی، زهرا. (۱۳۸۹). اقلیمهای زیباخیز شعر فارسی، متن‌شناسی/ادب فارسی، ش ۳: صص ۲۱-۳۴

- اکرمی، میرجلیل، عباس‌زاده نیاری، یاسر (۱۴۰۱) بررسی عوامل ابهام‌آفرین در شعر نظامی، ماهنامه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، ش ۴ (پیاپی: ۷۴): صص ۱۰۱-۱۲۲
- انزایی‌نژاد، رضا (۱۳۹۰)، پرده‌سحر سحری، تبریز: آیدین.
- پورنامداریان، تقی، موسوی، مصطفی. (۱۴۰۰). زبان نظامی گنجوی، زبان و ادب فارسی (نشریه سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز، ش ۷۴ (پیاپی ۲۴۴): صص ۱-۳۱
- ثروت، منصور (۱۳۹۲) گنجینه حکمت در آثار نظامی، تهران: علمی.
- ثروتیان، بهروز (۱۳۸۷)، راز عشق در مثنوی عارفانه نظامی، تهران: انتشارات ابتکار دانش.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۳) امثال و حکم، ۴ جلدی، تهران: امیرکبیر.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳) لغتنامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
- ذکاء، یحیی (۱۳۹۷) جستارهایی درباره زبان مردم آذربایگان، با مقدمه محمدمامین ریاحی. تهران: انتشارات دکتر محمود افشار.
- شریفی، محمد (۱۳۸۷) فرهنگ ادبیات فارسی، ویراستاری محمدرضا جعفری، تهران: فرهنگ نشر نو، معین
- شعبانی اندبیلی، عاقله (۱۳۹۳)، امثال و حکم ترکی، اردبیل: نگین سبلان.
- صالحی، ژیلدا، پارسا، سید احمد (۱۳۹۰) «بررسی جلوه‌های زبانی فرهنگ مادری در خسرو و شیرین و هفت پیکر نظامی گنجه‌ای» مجله کاوشنامه، سال ۱۲، ش ۲۲: ۳۱-۵۹
- صلاحی، احمد (۱۳۹۵) فرهنگ ضرب‌المثلهای و اصطلاحات ترکی، تبریز: آذرتورک
- عباسپور، هومن (۱۳۸۴) سبک آذربایجانی در شعر فارسی، فصلنامه بیمه و توسعه، ش ۳: صص ۶۰-۶۳
- مجته‌دی، علی‌اصغر (۱۳۸۱)، ترکی دلینده مثلر (امثال و حکم آذربایجان)، چاپ سوم، تبریز: فخرآذر.
- معین، محمد (۱۳۹۰) فرهنگ معین، تهران: امیرکبیر.
- مهدی‌پور، چنگیز (۱۳۹۶) مکتب قوپوز، ترجمه جواد کریم نژاد، تبریز: آیدین
- میرزانی، منصور (۱۳۷۸) فرهنگنامه کنایه، تهران: امیرکبیر.
- نظامی گنجوی، نظام‌الدین الیاس (۱۳۸۶ الف) خسرو و شیرین، تصحیح بهروز ثروتیان، تهران: امیرکبیر.
- نظامی گنجوی، نظام‌الدین الیاس (۱۳۸۶ ب) لیلی و مجنون، تصحیح بهروز ثروتیان، تهران: امیرکبیر.
- نظامی گنجوی، نظام‌الدین الیاس (۱۳۸۶ ج) هفت پیکر، تصحیح بهروز ثروتیان، تهران: امیرکبیر.
- نظامی گنجوی، نظام‌الدین الیاس (۱۳۸۹) اقبالنامه، با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: قطره
- نظامی گنجوی، نظام‌الدین الیاس (۱۳۹۰) هفت پیکر، با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: قطره
- نظامی گنجوی، نظام‌الدین الیاس (۱۳۷۶ ب) خسرو و شیرین، با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: قطره
- نظامی گنجوی، نظام‌الدین الیاس (۱۳۷۶ الف) مخزن الاسرار با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: قطره
- نظامی گنجوی، نظام‌الدین الیاس (۱۳۸۷) خمسه نظامی، براساس چاپ مسکو، تهران: هرمس.

نوین، حسین (۱۳۸۷)، جلوه‌هایی از امثال و حکم ترکی، اردبیل: سیمای کوثر
هومان، کیکاووس (۱۳۸۵) اران نه آذربایجان، ترک زبان نه ترک. تهران: ایمان راد.

معرفی نویسندگان

اصغر درگاهی پیر الوان: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

(Email: asgardargahi92@yahoo.com)

(ORCID: 0000-0002-0319-618x)

علی دهقان: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

(Email: a_dehghan@iaut.ac.ir: نویسنده مسئول)

(ORCID: 0000-0003-1802-2825)

رستم امانی آستمال: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

(Email: amani@iaut.ac.ir)

(ORCID: 0000-0002-1153-0611)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Asghar Dargahi Pir Alvan: Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

(Email: asgardargahi92@yahoo.com)

(ORCID: 0000-0002-0319-618x)

Ali Dehghan: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

(Email: a_dehghan@iaut.ac.ir: Responsible author)

(ORCID: 0000-0003-1802-2825)

Rostam Amani Astmal: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

(Email: amani@iaut.ac.ir)

(ORCID: 0000-0002-1153-0611)